

دستگیری و محاکمه دکتر سیدحسین فاطمی از منظر خواهرش بانو سلطنت فاطمی

علی سام

دکتر حسین فاطمی در عاشورای سال ۱۳۴۰ ه. ق در خانواده‌ای مذهبی در شهر نائین به دنیا آمد. وی پس از فراگیری تحصیلات قدیمه نزد والدینش و کسب درجه‌ی تحصیلی دیپلم در اصفهان اقدام به انتشار مقاله در روزنامه‌ی باختر نمود که صاحب امتیاز آن برادرش نصرالله سینا پور فاطمی بود. سپس برای فراگیری فن روزنامه‌نگاری به فرانسه رفت که مدرک دیپلم این فن را از آنجا اخذ کرد آنگاه به تهران آمده در روزنامه‌ی ستاره با مدیریت احمد ملکی به فعالیت پرداخت. سپس امتیاز روزنامه‌ی باختر را به نام باختر امروز به نام خود ثبت و آن را در تهران منتشر نمود که وسیله‌ای برای انتشار افکار جبهه‌ی آزادی و مبارزه با سانسور اختناق شد.^۱

با پیروزی جبهه‌ی ملی و نخست‌وزیری دکتر مصدق در سال ۱۳۲۸ وی به معاونت پارلمانی و سیاسی دولت وی گماشته شد. ۸ ماه در این منصب بود، که در بهمن ماه ۱۳۳۰ در حین سخنرانی در مراسم سالگرد شهادت محمد مسعود بر مزار وی مورد اثابت گلوله‌ی مهدی عبد خدائی نوجوان ۱۴ ساله قرار گرفت و از ناحیه‌ی شکم به سختی مجروح شد.

در انتخابات دوره‌ی هفتم مجلس شورای ملی به نمایندگی از طرف مردم تهران گماشته شد ولی تا ۸ ماه بعد وی به علت درمان از فعالیت برای دفاع از آزادی ملت ایران دور بود. در سال ۱۳۳۱ پارلمان را رها نمود و به وزارت خارجه‌ی دولت مصدق گماشته شد که در ضمن سخنگوی دولت وی نیز شد. از جمله‌ی اقدامات وی در این منصب بستن سفارت انگلیس و گسترش روابط با کشورهای اسلامی بود. در کودتای نافرجام سلطنت در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ وی مورد ضرب و شتم قرار گرفت، ولی پس از شکست کودتا و فرار شاه وی به سخنرانی بر ضد سلطنت و محو نمودن نمادهای رژیم شاهنشاهی پرداخت. این عمل عاملی شد

دستگیری وی و سپس اعدامش در پی کودتای انگلیسی - آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بانو سلطنت فاطمی در باب دستگیری برادرش چنین می‌گوید:

در روز ۲۲ اسفند سال ۳۲ در برابر مأموران فرمانداری نظامی عده‌ای چاقوکش برادرم را مجروح و ۱۴ ضربه‌ی چاقو به او زدند بر اثر شدت خونریزی به بیمارستان شماره‌ی ۱ ارتش منتقل شد و بر اثر ضربات وارده که مزید بر کسالت عمومی وی ناشی از اصابت گلوله^۱ شده بود، سه ماه خون استفراغ می‌کرد و با تزریق زنده بود.^۲

سپس در طی شش تلگراف و یک نامه در تاریخ‌های (۱۳۳۳/۳/۲۳ - ۱۳۳۳/۴/۱۰ - ۱۳۳۳/۴/۱۶، ۱۳۳۳/۴/۲۰، ۱۳۳۳/۶/۶، ۱۳۳۳/۷/۷) بیانی سربالی از وضعیت برادرش، از زمان انتقال وی از بیمارستان ارتش تا روز محاکمه او، بیان سازد.

۱۳۳۳/۳/۲۳

شب ۱۳۳۳/۳/۲۳ برادرم را در حالت تب و اغما از بیمارستان شماره‌ی ۱ ارتش به دستور تیمسار سپهبد زاهدی^۳ به زندان لشکر ۲ زرهی منتقل نمودند (بدون درخواست نظر پزشکان معالج او، نظیر پرفسور عدل). این در حالی است که در طی سه ماه از راه تزریق غذا زنده مانده است و حرکت برای او خطر دارد و با این عمل زمینه برای مرگ وی فراهم می‌شود. جناب آقای خلعتبری، به وی ۱۴ ضربه‌ی چاقو وارد شده و سه ماه خون استفراغ می‌نماید و اینجانب به نام طفل ۱۸ ماهه‌ی او و به نام خواهر رنج دیده‌اش از جناب عالی که رئیس کمیسیون عرایض مجلس هستید، تقاضا دارم موضوع را رسیدگی نمایید و چنانکه عمل آنها برخلاف قانون است مرتکبین را تعقیب کنید.

تلگراف مورخ ۱۳۳۳/۴/۱۰

وی از خلعتبری رئیس کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی و سردار فاخر حکمت رئیس مجلس به علت حمایت از برادرش و بیان دستوراتی در دفاع شرافتمندانه از یک زندانی بیمار سپاس‌گذاری نموده است. به این شکل که از سوی مجلس شورای ملی مقرر شد که چند پزشک مورد اعتماد بویژه پزشک قانونی و ریاست کل بهداری ارتش بیمار را معاینه نمایند و وخامت حال وی را معین نمایند. پس از اجرای این امر روز پنج‌شنبه در جلسه‌ی علنی (مجلس شورای ملی) گزارش پزشکان قرائت شد و بیماری برادرم مسلم و محرز شد. گواهی شد چنین بیماری که سابقه‌ی ۲ سال کسالت و چهار عمل جراحی دارد و اکنون هم محتاج عمل است، باید به بیمارستان برگردانده شود پس از ۱۰ روز زندانی شدن در زندان لشکر زرهی

تلگرافی دیگر در همان تاریخ (۱۳۳۳/۴/۱۰)

در این تلگراف وی از رفتار تیمسار دادستان نسبت به برادرش به وزیر جنگ^۴ شکایت می‌نماید؛ زیرا دادستان در گفتگوی با خبرنگاران که به بیمارستان آمده بودند، در بیان حال مجروح گفته بود، طبق اظهار پزشکان ارتش حالت مزاجی فاطمی حتی از حال خود ایشان هم بهتر است. و مجروح تظاهر به بیماری می‌نماید. این در حالی است که بر طبق گزارشات پرستارش به وی سرم تزریق می‌شود؛ زیرا که معده وی

توانایی قبول غذا را ندارد و روزانه خون استفراغ می‌کند. پزشک قانونی طی گزارش رسمی خود به مجلس شورای ملی صراحتاً می‌نویسد. برای تشخیص قطعی بیماری باید آزمایش‌های لازم به عمل آید یعنی هنوز بیماری مهلک وی در اثر عدم آزمایش‌های ضروری تشخیص داده نشده است حتی بنا بر گفته‌ی تیمسار دادستان روزانه دو هزار ریال مخارج دارویی فاطمی است. پس معلوم می‌شود که وضع وی آنچنان وخیم است که روزانه مبلغ زیادی صرف مداوای وی می‌شود.

در این تلگراف، بانو سلطنت تقاضای اجازه‌ی اعزام برادرش به خارج را می‌نماید؛ زیرا ۸ پزشک غیر نظامی و ۶ پزشک نظامی در مشاوره‌ی طبی خود عمل جراحی را برایش ضروری دانسته و به صراحت از تشخیص بیماری او اظهار عجز می‌کنند و بیان داشته‌اند در ایران وسایل لازم برای بهبودی وی وجود ندارد.

تلگراف چهارم مورخه ۱۳۳۳/۴/۱۶

برادرم را به خارج اعزام نموده‌اند، در داخل نیز به علت عدم وجود امکانات کافی به جای عمل جراحی فوری وی، ترجیح داده‌اند که عمل جراحی در ناحیه‌ی پهلوی وی را پس از تقویت بیمار الزامی دانسته‌اند. این در حالی است که ۴ روز پس از گزارش رسمی مجلس شورای ملی در باب صحت بیماری و لزوم عمل جراحی وی دوباره به دستور شخص نخست‌وزیر (تیمسار سپهبد زاهدی) و به استناد گواهی تیمسار آبادی که ۱۵ روز بیمار را ندیده و تیمسار خوشنویسان که اساساً طبیب معالج او نبوده است، دکتر فاطمی را در حال مرض و تب به زندان عودت سپس نخست‌وزیر را مورد خطاب قرار داده و استدعا می‌نماید که موافقت نماید پزشکان غیرنظامی و نظامی که در مشاوره‌ی او شرکت کرده‌اند از جمله‌ی (پروفسور عدل، دکتر هنجن، دکتر وکیلی، دکتر عزیززی، دکتر لقمان‌الملک، دکتر مصدق، دکتر حکمت، دکتر اعلم‌الملک، دکتر نجف‌زاده، دکتر مقبل، دکتر میرسپاسی) دوباره جلسه‌ی مشاوره‌ای در مورد بیماری وی تشکیل دهند، زیرا که سزاوار نیست به چنین مریضی که حتی یک گرم خون خودش در رگ‌هایش نیست، ۵ بار به او خون تزریق کرده‌اند، بیش از این ظلم و فشاریکه جنبه‌ی انتقامجویی به خود گرفته است، وارد بیاورید. استرحاماً برای نجات برادر بیمارم استدعا می‌کنم تحت هر نوع شرایطی که صلاح بدانید، هر نوع تضمین قانونی که بخواهید اجازه داده شود برای معالجه و عمل جراحی به آلمان اعزام گردد. حتی درباره‌ی مسافرت او نیز هر گونه تضمینی بگیریید و هر تضمینی بخواهید داده خواهد شد.

تلگراف پنجم مورخ ۱۳۳۳/۴/۲۰

در این تلگراف وی دکتر سعید حکمت نماینده‌ی مجلس را موتمن‌الملک، مشیرالدوله، مستوفی الممالک دانسته که نقش حفاظت از حقوق انسانی مردم و حمایت قانونی ملت را بر عهده گرفته و به وی بیان می‌دارد که برادرم را برخلاف اصول انسانی و قانونی با کمال قساوت و بی‌توجه به امریه‌ی صادره از طرف آن جناب برای حمایت و حفظ یک بیمار زندانی که براساس گزارش پزشک قانونی انجام گرفته بود مجدداً به زندان برده‌اند و صریحاً عرض می‌کنم که حکومت پهلوی، و سپهبد زاهدی می‌خواهند این متهم سیاسی را از بین

ببرند. افرادی که ذره‌ای به قانون احترام نمی‌گذارند و می‌خواهند با اعمال خلاف انسانی که نسبت به یک بیمار مشرف به موت انجام می‌گیرد، مرا وارد کرده به نام شرافت و انسانیت از شما استرحاماً استدعا کنم، حمایت قانونی خود را از این بیمار علیل دریغ نفرمایید؛ زیرا نسل‌های آینده در برابر این شجاعت اخلاقی و شرافت ذاتی شما سر تعظیم فرو خواهند آورد و نام شما همیشه به نیکی در حمایت قانون و مظلوم یاد خواهد شد.

تلگراف ششم مورخه‌ی ۱۳۳۳/۶/۶

در این تلگراف سردار فاخر حکمت و ارسال خلعتبری را مورد خطاب قرار داده است که قبل از تعطیلی تابستانی مجلس، تلگراف‌های متعددی معروض داشته‌ام که متأسفانه تاکنون کوچکترین اقدامی درباره‌ی وضع برادرم به دست نیامده است. اکنون نزدیک سه ماه است هیچ اطلاعی از برادرم ندارم و با وجودی که دادستان ارتش تقاضای اعدام او را نموده است، برخلاف تمام اصول بشری و قانونی از یک بیمار مشرف به موت در زندان بازجویی نموده و اکنون هم او را از ملاقات محروم داشته است در حالی که پس از پایان بازپرسی هیچگونه علتی وجود ندارد که یک بیمار زندانی را اینطور تحت فشار قرار دهند، مگر اینکه برادرم اساساً وجود خارجی نداشته باشد. یا اینکه بخواهند بدین وسیله او را از بین ببرند چون به هیچ وجه به عرایضم رسیدگی نمی‌شود و فشار و ظلم را در حق خانواده‌ام از حد گذرانده جنبه‌ی انتقام‌جویی و غرض‌ورزی بدان داده‌اند. بدین وسیله اعلام می‌کنم که در برابر مجلس شورای ملی خود را در آتش می‌سوزانم تا ندیایی که با چشم باز به اعمال ما می‌نگرد، بفهمد من در اثر عدم توجه به عرایضم و بی‌عدالتی به آغوش مرگ سیاه پناه برده‌ام و تقاضای رسیدگی به پرونده‌ی برادرم را نموده‌ام؛ زیرا از متهمی که تقاضای اعدام او شده حتی حق دفاع را سلب و از تمام حقوق بشری، ملاقات و تهیه پاسخ به ادعا نامه دادستان محروم نموده‌اند. یا لاقلاً یک نفر از مجلس را بفرستید تا ببینید که آیا وی زنده است یا نه و اگر هست در چه حالت است و چرا این طور کینه‌توزی و فشار بی‌حد به یک متهم بیمار زندانی وارد می‌آورند.

نامه‌ی مورخه‌ی ۱۳۳۳/۷/۷

ریاست محترم مجلس شورای ملی

محترماً پیرو شکایات قبل، امروز برادرم دکتر حسین فاطمی را با برانکار در حال بیهوشی و استفراغ به دادگاه ساختگی برده‌اند. از نظر اطلاع به عرض عالی می‌رسانم که نظیر این وضعیت هیچگاه در هیچ کجا دیده نشده و نخواهد شد و از نظر قضایی شاید یکی از ننگین صحنه‌های تاریخی باشد که برای محکومیت و خفه کردن افکار و دفاع یک متهم بیمار تشکیل می‌دهند بی‌موقع نیست به عرض عالی برساند متهمی که در دادگاه حاضر می‌کنند هنوز حق ملاقات با خانواده‌ی خود را ندارد و تعجب خواهید فرمود که تمام این مشکلات را به مناسبت توسل این جانب به مجلس شورای ملی ایجاد می‌کنند. امیدوارم آن نماینده‌ی محترم و سایر نمایندگان مجلس آنچه بر خود نمی‌پسندند، بر دیگران نپسندند که زندگانی امروز در گذر است، ولی تاریخ آینده بدون اغراض نسبت به امروز قضاوت خواهد کرد و سکوت شما را حمل بر گناه

تلقى خواهد نمود.

با تقدیم صمیمانه‌ترین احترامات

سلطنت فاطمی

در پایان باید اسنادی را معرفی نماییم که در آن‌ها دو مرتبه حکم انتقال دکتر فاطمی به زندان وجود دارد یکی قبل از حکم مجلس شورای اسلامی مبنی بر استرداد وی به بیمارستان و دیگری حکمی پس از صدور حکم مجلس که طی آن دکتر را به طور قطع و بی‌بازگشت به زندان منتقل می‌نمایند (و سرانجام در مورخه روز دوشنبه ۱۳۳۳/۷/۷، ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه در دادگاهی نظامی می‌برند و در یک دادگاه ساختگی به ریاست تیمسار سرتیپ قطبی و دادستانی سرهنگ دکتر فخر مدرس و کارمندی سرهنگ شیبانی، «گلشنی»، «تفقدی»، به اعدام محکوم می‌شود و در صحرگاه ۱۹ آبان ۱۳۳۳ با پیکری تبار و بیمار بدنش آماج گلوله‌های دژخیمان استبداد قرار می‌گیرد)^۳.

توضیحات:

۱. وی در هنگام سخنرانی بر مزار محمد مسعود روزنامه‌نگار هم دوره‌ی خود مورد اصابت گلوله‌ی عبد خدایی قرار گرفت. گفته شده که وی از سوی جمعیت فدائیان اسلام و به دستور عبدالحسین واحدی نفر دوم این جمعیت پس از نواب صفوی مامور سوء قصد به جان فاطمی بوده است.
۲. در مورد تلگرافهای بانو سلطنت فاطمی می‌توان به اسناد موجود در کتابخانه‌ی شماره‌ی ۲ مجلس شورای اسلامی رجوع کرد.
۳. ملیت و دین دو رکن مهم در زندگی حسین فاطمی است که در بررسی زندگی او باید به آن توجه کرد ملت پرستی وی را باید در مبارزه با استعمار پیر مشاهده نمود و دین و سیاست دینی وی را در گسترش روابط دیپلماتیک با کشورهای اسلامی در دوره‌ی وزارت خارجه‌ی وی.
۴. از جریان‌های که مورد انتقاد فاطمی قرار داشت علاوه بر سلطنت و رژیم پهلوی، حزب توده بود که آنها را مطیع و گسترش دهنده‌ی نفوذ سوسیالیسم شوروی می‌دانست.
۵. برای کسب اصلاح از خط‌مشی فکری حسین فاطمی باید از مقالات وی در روزنامه‌های رد باختر امروز، «باختر»، «ستاره» بهره برد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا: سرنوشت یاران دکتر مصدق، تهران ۱۳۸۳، صص ۱۶۷-۱۷۷.
۲. حاج قربانعلی، ابوالفضل، چهره‌ی دکتر حسین فاطمی، ناشر خود مؤلف، تهران ۱۳۷۰، صص ۵۵-۷۳.
۳. شیفته، نصرالله: زندگی نامه و مبارزات سیاسی دکتر فاطمی؛ ناشر آفتاب حقیقت تهران ۱۳۶۴، صص ۳۷۵-۴۰۵.



وزارت دفاع ملی

فرمانداری نظامی شهرستان تهران و حومه

شماره

تاریخ

پیوست

صورت جلسه پزشکی مورخه ۲۲/۳/۳۳

د ساعت ۱۲ روز ۲۲/۳/۳۳ جلسه مشاوره پزشکی مرکب از پزشکان امضاء کنندگان زیر برای معاینه زندانی غیر نظامی دکتر حسین فاطمی در بیمارستان شماره ۱۱ ارتش تشکیل و پس از معاینه دقیق بیمار چون وضعیت مزاجی مشارالیه از هر حیث بهتر از روزها هفته های قبل بنظر می رسید و بخصوصاً چون در روزهای اخیر زندانی نامبرده به بند ریج بخوردن غذا شروع نموده و دیگر استعمال سرم و دارو میورد بود لذا اقرار شد در راتیم از تنزیق روزانه باکتریم خود داری کرده در ضمن ناچون تنها عارضه که فعلاً باقی مانده همان اثرات عمل جراحی سابق میباشد که در مقابل از استری شدن در بیمارستان وجود نداشته و جراحان معالج نیز عمل جراحی مجدد را عاجزالتاً صلاح ندانسته و در صورت جلسه طی سابقه تصریح نموده اند لذا توقف مشارالیه در بیمارستان در یگرا از لحاظ مزاجی ضروری بنظر نمی رسد و باتفاق اراک تصمص گرفته شد که هرگاه راتیم مقامات صالحه تغییر محل زندانی منوطاً اصلاح دانستند از طرف بیمارستان مانعش بعمل نیاید زیرا بقیه تقویت زندانی نامبرده تحت نظر بهداری قسمت مربوطه از نقطه نظر پزشکی کاملاً امکان پذیر خواهد بود.

سرטיپ دکتر مقل

سرטיپ دکتر نجف زاده

سرטיپ دکتر یادی

پرونده نوشتن برابر اصل است
 [Signature]
 [Signature]

پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ش ۴ / تابستان ۱۳۸۸

دکتر سعید حکمت
نایب رئیس هیئت مدیره
خیابان ناپید چهارراه فروردین

تقرن ۴۳۸۰

تاریخ: ۳۳/۸/۱۳
۱۳۲۰۰۲

دکتر سعید حکمت
نایب رئیس هیئت مدیره
خیابان ناپید چهارراه فروردین

ریاست محترم کمیون عرابش مجلس شورایی

مجلس شورای اسلامی
کمیون عرابش
تاریخ: ۳۳/۸/۱۳
۱۳۲۰۰۲

نامه بدون تاریخ و شماره آن کمیون در تاریخ ۱/۱/۳۳ باینجناب واصل گردید پس از دریافت بلافاصله

شرعی بوزارت چند ضمن نامه شماره ۳۳/۱/۳۳ - نوشته شد که نماینده ای تعیین گردد تا از آقای دکتر حسین

فاطمی معاینه بعمل آید. در ساعت ۸ صبح روز ۲/۱/۳۳ چهارم سرشار شد که براساس این نمایندگی وزارت جنت

باینجناب مراجعه و معاینه ایشان در زندان هنگ زرهی از بیمارناجرده معاینه بعمل آمد.

اینکه نتیجه معاینه و مشاهدات خود را بشرف زبیر اطلاع میسراند.

(۱) - توری درزینکه داشت که دلیل به عوارض کلیوی است و برای تشخیص قطعی محتاج بازمانشها
لازمه میباشد.

(۲) - طبق اظهار به شاربتموس که از طرف بهداری ارتش تعیین شده است روزانه یک مرتبه استفراغ

مینماید و باهی نیز این استفراغ خون بود است

(۳) - طبق اظهار به شاربتموس که از طرف بهداری ارتش تعیین شده است روزانه یک مرتبه استفراغ

اجابت مزاجی دارد.

(۴) - در موقع خوردن و آشامیدن ناراحت بوده و پس از صرف غذا حال استفراغ دارد و لذت اکتفا غذا

میل میکند و اگر بوسیله تزریق تغذیه میشود.

(۵) - دستورات پزشکان معالج ملاحظه و انهایت دقت و مراقبت کامل از بیمار مواظبت و پرستاری

میشود و در حالت عمومی بیمار نسبت بدنها قبل که در مشاوره پزشکی مورد معاینه قرار گرفته بود بهتر میباشد ولی

باتوجه به مراتب فوق چون این عملیات بهتر است در مرحله که مسائل بهداشتی مجبورتراشد انجام گیرد لذا

دستور داده شد که بیمار را فوراً به بیمارستان اعزام و تحت نظر پزشکان معالجش درمان نمایند.

(بقیه در صفحه ۲)

مجلس شورای اسلامی
کمیون عرابش
تاریخ: ۳۳/۸/۱۳
۱۳۲۰۰۲

دکتر سید حکمت

ماینده کوشش ایرانی

خیابان نایب چهارراه فروری

تلفن ۴۲۲۸۰

(صفحه ۲)

پس از اظهار نظر فوق از طرف وزارت جنگ دستور انتقال بیمار به بیمارستان دادمشهد و متلا در بیمارستان بستری تحت معالجه میانه شد.

دکتر سید حکمت

دکتر سید حکمت

تاریخ ۳۳/۴/۳۳



وزارت بهداشت

اداره

شماره ۱۴۹

تاریخ ماه ۱۳۲۲

شماره

پوست

رونوشت صورت جلسه پزشکی

در روز شنبه ۱۳۲۲ / ۴ / ۲۳ کمیسیون پزشکی بیمارستان درباره غیرنظامی دکتر حسین فاطمی بلخسوز زنگنه کسیون بعمل آمد چون نامبرده از در ورودیه بیمارستان بجهت پیگیری حاضر برای انجام امتحانات و آزمایشات لازمه پزشکی جهت تشخیص بیماری خود نمیگردد و دستوراتیکه فعلا درباره مشارالیه بعمل میآید در هر کجا ممکن است انجام داد لذا بستر پی بردن نامبرده در بیمارستان ضرورت ندارد و حالت صوری نامبرده رضایت بخش میباشد . سرتهپ دکتر خوشنویسان . سرهنک دکتر فراهانی . سرهنک دکتر کوهاسپهان . سرهنک دکتر وارطانیان . سرهنک دکتر منوچهری



سیدحسین فاطمی

شماره کتاب ۱۳۳/۴/۱۰

وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلف رافی

۳۶۵-۵

۱۳۳

تاریخ وصول	تاریخ اصل	تعداد کده	قبض	زنجیران
روز	نویسجات	۱۲۴	تلگراف	ط
ماه	۳۳/۴/۱۰		۸۰۷۲۸	


جناب آقای سردار ناخر حکمت ریاست محترم مجلس شورایی رونوشت جناب
 آقای دکتر سعید حکمت پزشکی قانونی دادگستری رونوشت جناب آقای
 خلعتبری کمسیون فرائض مجلس شورایی از دستور شرافتمندانهایکه برای
 اجرای عدالت و حمایت یک زندانی بیمار صادر فرمودید و از بینظری و دفاع
 شرافتمندانهایکه در جلسه علنی بنام حفظ قانون از دکتر فاطمی بعمل آمد
 صمیمانه سپاسگزارم و شایسته است که مجلس شورایی همیشه سنگر مظلومان
 بی پناهی بود ماست که از ظلم و بیعدالتی قانون شکنان انتقام جو بدان پناه
 بردم و شایسته است که در مجلس و شهادت و شجاعت جناب
 دکتر حکمت و رسیدگی سریعی که از طرف جناب آقای خلعتبری بعمل آمد
 یکبار دیگر نشان داد که با حضور مجلس بحقوق یک زندانی بیمار نمیتوان

تجاوز کرد سلطنت فاطمی

نام مقصد تلگرافات
 با سازمان شایسته خدمت اجناسی همکاری کتب
 چاپخانه مطبع آزادی

پیام بهارستان / ۲۵، ۱۰ ش / تابستان ۱۳۸۸

۷۵

شماره کتاب _____		شماره ۳۶۵-ن	
گیرنده _____		کیرنده _____	
 وزارت پست و تلگراف و تلفن ر ا ی			
تاریخ وصول		تاریخ ارسال	
روز	ماه	روز	ماه
توضیحات		تعداد کلمه	
۳		۲۰۱۲۳	
از شهر		قیمت	
به		۲۰۱۲۳	
		تلگراف	

خود لزوم حل جراحی و آزمایش شهری دانسته و مراعات از شهر بخاری او
 اظهار و جز کرده و گفته اند در ایران مسائل لازم نه از بدبطان اعزام شود
 پس از بهبودی بهائیات اصفهان تعین گردیدن و ملاحظه روشی که نسبت به
 او افعال شده نه تنها در اعدالت و برخلاف شهادت ذات اعلی حضرت -
 هایشی است که نبودند هیچگاه نسبت به اعدالت خود اکتفا موجود -
 نبوده بلکه اکتفا را نکرده اند و شاید بتوان گفت که هیچ طرف -
 شاهنشاه و عدالت اجتماعی که شماره بان اصفهان به عنوان نظامی ها
 نیز جرات و امن اطمینان دارم که تمسار و مکرر کنونی و تمسار اد استلن
 برای اثبات عدالت خواهی از بذل کوشش برای تسهیل معامله و نجات بیمار
 مرض خود داری نفرموده پس از علاج و بهبودی باز هم در حمایت قانون او را
 محاکمه خواهند نمود سلطنت قانون

تلگراف

نام مقصد تلگرافات باید بعد از آنتن و آدرس مطابقت نوشته شود
 با سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی همکاری کنید ۳۰۰ دست ۲۰۰ لثی ۳۲۶۸
 چاپخانه مشعل آزادی

پیام بهارستان / ۲۵، س ۱ / تابستان ۱۳۸۸

شماره کتاب: ۲۱۹-۵
گیرمه: ۱۳۳
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلف: ۶
رای

۱۶۰۸

روزنامه اطلاعات

شماره کتاب: ۲۳۸/۶۹۸
روز: ۱۶
توضیحات: ۴

از تهران: ۴
تلف: ۴۰۰۰
تلف: ۱۶

به ط: ۲۳۸/۶۹۸

شماره کتاب: ۲۱۹-۵
گیرمه: ۱۳۳
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلف: ۶
رای

۱۶۰۸

روزنامه اطلاعات

شماره کتاب: ۲۳۸/۶۹۸
روز: ۱۶
توضیحات: ۴

از تهران: ۴
تلف: ۴۰۰۰
تلف: ۱۶

به ط: ۲۳۸/۶۹۸

تیمسار سرسبز آریو ده دادستان محترم آریو رویت پیامت محترم
کسیون عراقی جنس نوری طی رویت جناب تیمسار سپید -
زادین نخست وزیر با بعد از آنکه در روز ۱۲۲ اسفند سال گذشته
بازدم دکتر حسین قاطمی را در جاده کوه کوه در راه مهاباد کوه کوه
تلفی خروج و ۱۴ نفر به کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه
به بیمارستان شما به آتش منتقل و بعد از شش روز که در آنجا
کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه
میزون و توسط قریب زنده بود و طبق صورتجلسه های موجود ۱۴
بازدم تلفی و غیر نظامی از دم عمل جراحی در ناحیه پهلو را ضروری
دانستند منتها قرار شد بیمار قویت بود که امام عمل جراحی بکند
ولی بدستور شخص جناب تیمسار سرسبز آریو از بیمارستان بزدان
آریو روند و حتی نظریه پزشکان معالج از نظر بر سر عمل را -
نام نشد و تلگرافات باید به از اسم و آدرس معلوم بود بود
بازدم تلفی ۲۰۰۰ تلفی ۲۱۸
چاپخانه مشل آریو

دعای سقده پس از ده روز که از تولد او در زندان گذشت و پرومات
حال او آلوده شد بخوبی پیامت محترم جنس رویت محترم کسیون
مواضع کوار شد بزرگه کلونی که شدنا تمامندگی ملت را بحیده ماوند اوز
حایه و نتیجه را گزاره مند گزارش ایشان در جلسه تلفی پنجمین
گذشت فراغت شد و رسم و محررین بیماری برادرم بحرض جنس
رسید و گواهی شد که حفا چنین بیماری که سابقه در زمان کمالک و چهار
عمل جراحی دارد و اکنون هم محتاج عمل است باید در بیمارستان
معالجه نمود ولی چهار روز پس از گزارش رسمی ایشان در جلسه تلفی
جنس بدستور شخص شما و استناد گواهی تیمسار آریو که ۱۰ روز
است برادرم را ندیده و تیمسار خوشنیشان کاما طبعت معالج او
نمود است دکتر قاطمی را در حال مرضی بزدان مروت دانند
و سر پرستار و زنده نگاران فرموده اند که برادرم کاغذ سلامت است
نام نشد و تلگرافات باید به از اسم و آدرس معلوم بود بود
بازدم تلفی ۲۰۰۰ تلفی ۲۱۸
چاپخانه مشل آریو

شماره کتاب: ۳۱۵-۵
 کیرمه: ... سال: ۱۳۲
 وزارت پست و تلگراف و تلفن
 راهی

تاریخ وصول	تعداد کتب اذرع اصل	نویسندگان	ردیف	محل

از تهران
 به

شماره کتاب: ۳۱۵-۵
 کیرمه: ... سال: ۱۳۲
 وزارت پست و تلگراف و تلفن
 راهی

تاریخ وصول	تعداد کتب اذرع اصل	نویسندگان	ردیف	محل

از تهران
 به

مجلس و من جویان ابرام کرد حق در باره سزاوارت او بفر
 مرکزین صمیمی بگریه و مرغینین بخواهد داد، عواطف بی انتظار
 انجمنی ایمنی بجهت با میام و انهدارم این تکرار مانده ده ما: تکرار
 تکرار ایمنی و باریلا تکرار کرد و سلطنت لاطنی
 نشانی . عباخان حقیقت الله که کرچه آفتابیان

چون یسلا شی او ملا قندم با ظهارات شما اعتماد نموده و اطلاع
 میدارم که اگر خدای نا کرده حال برادرم بد تر یا خجرت حاصل شود
 وجدانا و قانونا مسئولیت آنرا منوجه شخص شما دانسته و بار دیگر
 استند میبم مولفان تری باید بوشکان غیر نظامی و نظامی که در شاهراه او
 شرکت داشته اند خجسته بر صورت عدل دکتر منجین دکتر و کئی دکتر
 فریزی دکتر لقمان الملک دکتر مصدق دکتر حکمت دکتر اعظم الملک
 دکتر نجف زاده دکتر شمل دکتر بهر سیاسین جلسه شما و ره تشکیل دهند
 زیرا سزاوار نیست بجهتین منجین که حق یک گرم خون خود را در ریههای
 او نیست و ه بار خون با و ترورین کرده اند هشار از این ظلم و فسادیکه
 جنبه انتقامجویی بخود گرفته است وارد بهاروند امیر حاکم باری نیما
 برادر برادرم از مرگی استند میبم تمت فرعون تیراقلین که علاج -
 بداندید و هر نوع قصصن تا قیوم که بخواهد اجازه داده شود برای
 نام طبعه تلگرافات باید به از اسم و آدرس مطالب فرستد شود
 ۲۲۸۸ ص ۲۰۰ وقت ۲۰۰۰ کی ۲۲۸۸
 بازاران فاطمائی عسکات اجنای مکاری کید
 چاپخانه مشال آزادی



نام طبعه تلگرافات باید به از اسم و آدرس مطالب فرستد شود
 ۲۲۸۸ ص ۲۰۰ وقت ۲۰۰۰ کی ۲۲۸۸
 بازاران فاطمائی عسکات اجنای مکاری کید
 چاپخانه مشال آزادی

شماره کتاب: ۱-۳۰

وزارت پست و تلگراف و تلفن

کتابخانه مرکزی

سال: ۱۳۲۲

تلف: ۴۲

تاریخ ورود	تعداد کتب تاریخ ارسال	تاریخ رجوع
ماه	روز	ماه
۳۲/۸/۲۹	۲۰	۲۴۴

آذربایجان

تلفگراف

شماره کتاب: ۳۱۵-۵

وزارت پست و تلگراف و تلفن

کتابخانه مرکزی

سال: ۱۳۲۲

تلف: ۴۲

تاریخ ورود	تعداد کتب تاریخ ارسال	تاریخ رجوع
ماه	روز	ماه
۳۲/۸/۲۹	۲۰	۲۴۴

آذربایجان

تلفگراف

جناب آقای سر دار ناشر حکمت راست محترم مجلس شورای ملی روزنیت
 جناب آقای ارملان خلعتبری رئیس محترم کمیسیون عرائش مجلس -
 روزنیتک جناب آقای دکتر سعید حکمت نیابنده محترم مجلس -
 باکمال احترام به عرض عالی سر ساندۀ جنابعالی که امروز نقش مؤثرین الملک
 و مشور و الد و له و سبب فی السما لک را در حفاظت حقوق آسایش
 مردم و حمایت قانون ملت بمسئله گرفته اید بمن اجازه خواهد بود تر بود
 که بار دیگر تا کتبه کم بولدم دکتر حسین قاطمی را بر خلاف تمام اصول
 انسانی و قانون باکمال قضاوت و تدبیر و نگرانی بامر به جوارح اطراف
 آنجناب برای حمایت و حفظ بانک بهمار زندانی که بر اساس گزارش پزشک
 قانون انجام گرفته بود مجدداً بزند ان برون و بر سر عارض محکم میجراهند.

بنام شرافت و انصاف نیست از شما استر جاما استدعا کنم حمایت قانونی
 خود را از این بهادر وطن در رفع نگرانیهای آینده بر بروسر
 این تجلعت اصلاحی و شرافت ذاتی شما سر تنظیم فرود خواهد
 آورد و نام شما همیشه به نیکی و حمایت قانون و مظلوم باه خواهد
 شد. باانتظار اقدام لوری عمل از لغت وقت میباشم . سلطنت لاجسی

این ششم سیاه من از همین میرند و من پیشا که حامی و مظهر اجزای
 تو این و ناظر بر کیفیت آن هستم بدین جهت اطلاع میدهم که این
 جناب مظلوم را از آزاد که ذره نمی بخانو ان
 مرتکب شود توجه بکار خیر زند قانون و عا
 که نسبت بهنگ بهمار مشرف بهوت انجام میگردن مراد از این خلاص انباش
 نام نمده تلگرافات باید از اسم و آدرس بهنگ فرستد
 ۲۲۸۸ شم ۲۰۰۰ دست ۲۰۰۰
 چاپخانه عدل آزادی

نام نمده تلگرافات باید از اسم و آدرس بهنگ فرستد
 ۲۲۸۸ شم ۲۰۰۰ دست ۲۰۰۰
 چاپخانه عدل آزادی

۷ / ۵ / ۳۳

روزت محنت سیرت و انصاف

تقریباً بیرون کلان است بقی امروز برادرم دکتر حسین فاطمی را بوسیله برانکار در حال
 بیسوئی و استخوان به بارگاه سنجلی برده اند -
 در نظر اطلاع در سبب مالی سرمانه که نظیر این وضعیت میگویم در هیچ کجا نیستند
 نخواهد شد و از نظر قضائی نیز هیچ از سنگ ترین صحنه های تاریخی باشد
 که برادر محکومیت و خند کردن افکار و ذوق بیکر مستهم بهیا رنگین شده
 میترسند در پیش علمای بزرگه که مستهم که در دارگاه حاضر میکنند هرگز
 هیچ مدعاست ، با ندادن حق را نه آورد و قیامت خواهد بود فرمود که تمام
 این مشکلات را منبسط کرد بل انجمنیه محکومین را به اطلاع ارباب سلطنت
 امده و در آن لایحه محرم در سایر نواحیه ^{در آن محله} آنجه را بر عرض
 نمی کنند نه بر دیگران نمی شنوند نه که زنده گان امروز در گذر است
 ولی ، بیای آستیه به دن اغراض نسبت ، امروز تصدق تواند
 کرد و کتوت شمارا حمل بر گن ، تلفتی خواهد شد
 به قدم صحت ترین (از ا) =
 سلطنت عظمی

پیام بهارستان / ۲۵، ۱ ش ۴ / تابستان ۱۳۸۸

